فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۴۰۳- صفحات ۱۱۸-۹۷

بررسی میزان تاثیر وابستگی متقابل و جهانی شدن بر حکمرانی خوب و سیاست خارجی دولت‌ها

نوع مقاله: پژوهشی

علی بخششی[۱]
محمد یوسفی‌جویباری[۲]
جلیل نائبیان[۳]
پرویز احدی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر،بررسی میزان تاثیر وابستگی متقابل و جهانی شدن بر حکمرانی خوب و سیاست خارجی دولت ها بود. با توجه به موضوع تحقیق، هدف‌های تحقیق مطالعه تاثیرات جهانی شدن و پیامدهای آن بر سیاست خارجی دولت ها و مطالعه رابطه بین دولت خوب و حکمرانی خوب بود وروشی که در این تحقیق استفاده شده است، توصیفی، تحلیلی می باشد و به لحاظ نوع پژوهش، تحقیق نظری است.حکمرانی خوب با شاخصه‌های هشتگانه‌اش در تنظیم روابط دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی به‌گونه‌ای عمل می‌کند که هریک از آنها به اهداف تعیین‌شده دست یابند و بازدهی و عملکرد دولت را بالا ببرند. الگوی حکمرانی خوب با فعا لکردن همهٔ بخش‌ها و در صورت فراهم بودن شرایط می‌تواند با استفاده از توان بخش خصوصی و مدنی کشور به توسعهٔ پایدار انسانی دست یابد. حکمرانی خوب با افزایش آزادیهای سیاسی، آزادی مطبوعات و انتشار آزاد اطلاعات به عنوان حقوق ناظر بر اظهارنظر و پاسخگویی در بلندمدت می‌توان انتظار داشت

---

۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران، تبریز.
azarbayjan1969@gmail.com

۲ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران، تبریز. (نویسنده مسئول)
yousefijouybari@iaut.ac.ir

۳ دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه تاریخ دانشگاه ازاد اسلامی واحد تبریز، ایران
jnayebian@gmail.com

۴ استادیار،گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. parvizand@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

شهروندان این قدرت را داشته باشند که اعمال دولتها را تحت نظارت و کنترل داشته باشند و همین باعث می‌شود حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای مردم پاسخگوتر باشند و سیاست‌هایی را انتخاب کنند که منجر بهارتقای سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در مخارج عمومی جامعه، تخصیص بهینه منابع و درنهایت بهبود رشد اقتصادی شود. با افزایش ثبات سیاسی در بلندمدت ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی کشور کاهش یافته و به‌تبع آن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. درواقع شاخص حاکمیت قانون بیانگر آن است که در جامعه‌ای که شهروندان و حاکمان آن مطیع قانون بوده و به آن احترام می‌گذارند، قراردادهای دولتی به‌درستی اجرا می‌شوند، حقوق مالکیت محترم شمرده می‌شود، عملکرد دستگاه قضایی قابل پیش‌بینی و شکایت علیه دولت موفقیت‌آمیز می‌شود و این عامل‌ها باعث تخصیص کارآمد منابع خصوصی و عمومی به فعالیت‌های مولد شده و باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌شوند.به طور کلی، توسعه پایدار به معنای توسعه ای است که به طور همزمان در بعدهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی پایدار است و باعث حفظ منابع طبیعی و افزایش کیفیت زندگی جامعه خواهد شد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، توسعه پایدار، حکمرانی خوب، وابستگی متقابل، سیاست خارجی دولت ها.

طبقه بندی JEL : K00,G38,O24

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مقدمه

حکمرانی خوب شامل ساز و کارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن ها به شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال حقوق قانونی خود را اجرا می کنند و تعهداتشان را برآورده می سازند و تفاوتشان را تعدیل می کنند (یگانگی و الوانی ۱۳۹۵). با توجه با حیطه مدیریت دولتی حداقل سه جهت گیری می توان مشخص کرد اول اینکه مدیریت دولتی را بخشی از فرایند دولت دانست که به تدوین و اجرای خط مشی عمومی می پردازد و آن را وابسته به علم سیاست محسوب کرد که به اصطلاحاتی نظیر عدالت، آزادی، انصاف، پاسخگوی و غیره اشاره می کند (باقرزاده و همکاران،۱۳۹۹: ۲۹۱). توسعه روابط بین الملل، به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در حکمرانی خوب، می‌تواند برای برقراری ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین کشورها نقش مهمی را ایفا کند و با ایجاد فضایی برای بحث، تبادل نظر و همکاری، روابط بین الملل، به کشورها این موقعیت را می‌دهد تا با یکدیگر همکاری کنند و راه حل‌های مشترکی برای مسائل بین‌المللی ارائه کنند. به طوری که توسعه روابط بین الملل به کشورها این توانایی را می‌دهد که با آگاهی از تجربیات دیگر کشورها، سیاست‌های خود را اصلاح کرده و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و جهانی را تسهیل سازند. با توجه به این نکات، می توان گفت که توسعه روابط بین المللی به عنوان یکی از اصول حکمرانی خوب جهانی اهمیت فراوانی دارد. این اصل باید با همکاری و تعامل موثر کشورها، به منظور رسیدن به صلح، امنیت، توسعه پایدار و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی جهانی، پیش برده شود و این همکاری و تعامل می‌تواند در قالب تشکیل کارگروه های بین‌المللی، ایجاد فضاهای بحث و تبادل نظر، توسعه روابط تجاری و اقتصادی، توسعه روابط فرهنگی و هنری و ایجاد توافق‌نامه‌های بین‌المللی صورت گیرد؛ بدین ترتیب تحقیق حاضر با هدف میزان تاثیر وابستگی متقابل و جهانی شدن بر حکمرانی خوب و سیاست خارجی دولت ها مدنظر قرار گرفته است.

۱. سوالات تحقیق

با توجه به اینکه موضوع تحقیق حاضر جدید است و تاکنون در قالب پژوهشی مشخص مورد مطالعه قرار نگرفته است ، سوالات زیر مطرح می‌شود:

۱. وابستگی متقابل و جهانی شدن چه تأثیری بر حکمرانی خوب و سیاست خارجی دولت ها دارد؟
۲. توسعه پایدار چگونه می تواند بر حکمرانی خوب یک دولت اثرگذار باشد؟

۲. روش تحقیق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و شامل بررسی تئوری‌ها، مکاتب، بررسی و تحلیل اثرات توسعه روابط بین الملل بر حکمرانی خوب می‌باشد. در این پژوهش، از نوع کاربردی برای کشف روابط بین متغیرها و پدیده‌ها و همچنین گره‌گشایی از مسائل و تنگناهای توسعه روابط بین الملل و مسائلی همچون وابستگی متقابل، توسعه پایدار و جهانی شدن استفاده شده است.

۳. مبانی نظری و پیشنه پژوهشات داخلی و خارجی

۱-۳. نظریه هایی حکمرانی خوب

با پایان جنگ سرد و ساختار دو قطبی نظام بین الملل در آغاز دهه ۱۹۹۰، کارشناسان اقتصاد سیاسی بین الملل به دنبال اجرای سیاست های الگوی اقتصاد آزاد برای کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته بودند. حاصل این نگاه، اجرای الگوی تعدیل ساختاری بود که در برخی کشورها موفقیت هایی را در پی داشت، ولی به مرور زمان در سایر نقاط جهان، پیامد های ویرانگر و بحران های ساختاری اقتصادی و سیاسی را به همراه آورد و نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را به فکر چاره جویی انداخت. پس از بررسی های گسترده پیرامون علل نا کار آمدی این الگو، کارشناسان در یافته اند که مشکل عملیاتی این برنامه، وجود دولت های فاسد و غیر دموکراتیکی بوده که اصولا برای پیشرفت و توسعه ی کشورها به اندازه ی کافی دل نگران نیستند، و از این رو آن ها اعلام داشتند تا زمانی که حکومت ها و حکمرانان در جوامع در حال توسعه و توسعه نیافته به دنبال اصلاح رفتارهای حکمرانی نباشند، هر گونه طرحی به منظور توسعه، با شکست مواجه خواهد شد. . شاخص‌های کلیدی برای ادارهٔ کشور بر مبنای حکمرانی خوب در برگیرنده شفافیت و پاسخگویی، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و نفی خشونت، مبارزه با فساد، کار آمدی خدمات دولت و کیفیت مناسب مقررات می باشد (صبوری، ۱۳۹۱: ۲۱).

۱-۱-۳- پنج اصل حکمرانی خوب

تعریف اصول حکمرانی خوب دشوار و بحث بر انگیز است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد (حکمرانی و توسعه انسانی پایدار، ۱۹۹۷) مجموعه‌ای از اصول را بیان می کند که با تغییرات جزئی، در بسیاری از ادبیات ظاهر می شود.

۱-مشروعیت و حق اظهار نظر ۲-جهت گیری۳-کارآمدی۴-مسئولیت پذیری۵- عدالت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

از پنج اصل بالا، "مشروعیت و حق اظهار نظر" و "عدالت" قوی‌ترین مطالباتی هستند که بر اساس بیش از نیم قرن دستاوردهای سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر به صورت جهانی به رسمیت شناخته شده است.

۲-۱-۳- کلید صلح: چارچوبی برای حکمرانی خوب

- **نیاز به ثبات سیاسی:**

ثبات به معنی سک فر آیند دموکراتیک و عدم تمرکز است که خود نیازمند توسعه‌ایم فرهنگ دموکراتیک، نهادها، حل صلح آمیز اختلافات، بیان منافع و به اشتراک گذاشتن قدرت است. بر این اساس، باید حقوق و ارزش های جهان شمول توسط سیاست ها و شخصیت های یک دولت منتخب دموکراتیک تضمین شود. همچنین، پشتیبانی برای توسعه ی دموکراتیک بسیاری از سازمان ها و نهاد های مختلف مورد نیاز است.

- **اهمیت عدالت کارآمد و حاکمیت قانون:**

تعریف روشن و تضمین حقوق فردی و جمعی و ایجاد نهادهای مستقل کار آمد برای حمایت از حاکمیت قانون اساسی در روند صلح، اصل بنیادینی است. این حقوق در چارچوبی تعریف می شود که در آن تمام فعالیت های استقرار صلح درآن اتفاق بیفتد. آن ها از افراد و گروه هایی که نیازمند جبران خسارت هستند محافظت می‌کنند نهادهای قوی، به ویژه قوه ی قضاییه، برای اطمینان از رفتار برابر و احقاق حقوق همه‌ی شهروندان مورد نیاز است. این مقررات باید تشویق شود و دریک محیط سیاسی باز و اهل مدارا محافظت گردد و اطمینان حاصل شود که آن را با ملاحظات قومیتی، نژادی یا مذهبی تحت سلطه قرار ندهند.

- **تقاضا برای توسعه عادلانه و پایدار:**

یک قرار داداجتماعی قوی بین دولت و شهروندان برای توسعه راهبردها و به شکل فراگیر و عادلانه ضروری است. در صورت عدم وجود چنین قرار دادی، حکومت ها به احتمال زیاد به فرمانروایانی در راستای منافع نخبگان خاص (اقتصادی، قومی، مذهبی یا اجتماعی) تبدیل می شوند.

حکمرانی خوب براساس حاکمیت قانون نیازمند تفکیک قدرت است؛

از جمله تفکیک خدمات نظامی و امنیتی از قدرت اجرایی دولت، و تفکیک امور اجراییاز قانونگذاری و قضایی. این موضوع چنانچه از اصلاحات در اصول و شیوه های شفافیت، پاسخ گویی، کار آیی و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مشارکت حمایت گردد، تحقق می یابد. هرچند این اصلاحات زمان بر و تدریجی است (ساواج[۱]، ۲۰۰۳: ۱۲).

- **حکمرانی خوب و جامعه مدنی:**

حکمرانی باید حداقل سطح دموکراسی را برای خوب بودن داشته باشد. در نظام‌های دموکراتیک، نهادها و مناسبت‌های گوناگون موجود در درون و میان دموکراسی‌ها، نظارت‌ها و موازنه‌ها و فشارهای متقاطعی ایجاد می‌کند که جلوی ستیزه جویی را در میان آن ها می‌گیرد.

حکمرانی خوب هشت شاخص اصلی دارد. اینها شامل: مشارکتی بودن، اجماع محور بودن، پاسخ گو بودن، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، کار آمدی و اثرگذاری، عادلانه و فراگیر بودن و حاکمیت قانون است. این‌ها تضمین می‌کند کهفساد به حداقل برسد، نظر اقلیت لحاظ شود و صدای آسیب پذیر ترین توده ها در گوش تصمیم گیرند گان برسد. چنین حکمرانی در قبال نیازهای امروز و فردای جامعه پاسخ گو مسئول است. در نتیجه، حکمرانی خوب به وجود نظارت و توازن (پاسخگویی افقی) مشارکت و انتخابات (پاسخگویی عمودی) و احترام به حقوق بنیادین بشر (که شامل حقوق سیاسی نیز می‌شود) نیاز دارد. میزان و نحوه برآورد ساختن این معیارها برای خوب بودن یک سیستم حکومتی، مساله مهمی است (تانگ[۲]، ۲۰۱۳: ۲۸).

۳-۱-۳- حکمرانی خوب و دولت

حکمرانی خوب مساوی دولت خوب نیست، چرا که همه نهادهای حکومتی در کشورها، در دولت و قوه مجریه متمرکز نشده است، بلکه سایر نهادهایی وجود دارند که خارج از قوه مجریه و دولت در جامعه ایفای نقش می کنند. بنابراین وجود دولت خوب اگر چه شرط لازم حکمرانی خوب است ولی به هیچ وجه شرط کافی نیست. حکمرانی خوب نتیجه تعامل کارکرد همه قوای کشور است. (بهرام جلیل خانی، وبلاگ مدیریت تحول). به طور کلی، برای اداره امور عمومی دو پارادایم وجود دارد: در پارادایم نخست که حکومت نام دارد، مسئولیت تمام حکومت بر عهده حکومت است و موظف است که تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی و با شهروندان فراهم کند. در پارادایم دوم که حکمرانی نام دارد، مسوولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه انسانی به شمار می روند. ضمن آنکه هر سه بخش یاد شده در تعامل با یکدیگر قرار دارند به گونه ای که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها تعادل اجتماعی را بر هم خواهد زد. لذا ایجاد ارتباط و تعادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه

۱Savage

۲Thang

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

بخش امکان بهتر زیستن را در یک جامعه مطلوب فراهم خواهد کرد (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۲۸۱: ۹).

۴-۱-۳- ارکان اصلی حکمرانی خوب

اگر چه ارائه و معرفی الگویی واحد برای حکمرانی خوب دشوار است، اما رکن اصلی برای آن می توان برشمرد که عبارتند از:

-بخش عمومی و دولت که وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون را به عهده دارد.

- بخش های خصوصی که عهده دار ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و وظیفه کسب و کار را بر دوش دارند - جامعه مدنی که فراهم کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است.

- سازمان های محلی که وظیفه بسیج، سازماندهی و اعمال فرهنگ های بومی را بر عهده دارند. بدیهی است تعامل خوب و روان بین ارکان فوق، زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف فراهم می آورد. (جلیل خانی، پیشین).

۴ پیشینه پژوهش

کتاب: درآمدی بر حکمرانی خوب، نویسنده: مهدی مقدری، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۵ در رابطه سیاست و جهانی شدن آنچه می‌تواند نقش پررنگ و برجسته باشد در واقع، همان از دست رفتن استیلای بلند مدت دولت ملی در جهان امروزی است. دولت در عصر جهانی شدن، دیگر نقطه گذار اجباری میانبخش خصوصی و عمومی نیست حضور دائمی دولت، به مرور که مرزهای بازیگران عمومی و خصوصی تغییر می کند و کنشگران خصوصی در نقش مدیران منافع عمومی ظاهر می شوند، زیر سوال می روند. در عصر جهانی شدن با توجه به قرائت لیبرالی از آن دولت ملت ها چیزی جزتماشاگر این فرآیندنیستند و نیرو محرکهجهانی شدن همان بازارها می باشند در واقع نگارنده کتاب معتقد است کهبا توجه به تغییر و تحولات پس از عصر جهانی شدن در حوزه‌های مختلف دولت‌ها چه در عرصه روابط دیپلماتیک خود و سیاست خارجیو نیز درچارچوب اقداماتخود در حوزه سیاست داخلی تحت نظارت شهروندان خود قرار دارد و شهروندان توقع شفافیت بیشتری از حاکمان دارند و این مطالبات اصلی دمکراسی می‌باشد. در کنار این شفاف‌سازی اقدامات صورت گرفته از سوی دولت ها باعث شده تا از سه زاویه سیاست، اقتصاد و فرهنگ، دولت ها مورد ارزیابی جامعه جهانی قرار بگیرند و میزان وابستگی آنها با سایر مناطق مشخص شود.

کتاب: حکمرانی خوب و تحول در نظام بین الملل، نویسنده: ضیاالدین صبوری، انتشارات: روناس، ۱۳۹۱

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

نگارنده کتاب بدنبال مطرح کردن این سوال مهم هستند که الگوی حکمرانی خوب به عنوان ایده جدیدی که جایگزین مفهوم حکومت شده، چه تاثیری در تحول نظام بین الملل دارد و چگونه نظام بین الملل مطلوب از رهگذر دستیابی به این سطح از حکومت سامان و تحقق می یابد. مولف معتقد است حکومت و حکمرانی خوب سبب ارتقای نقش دولت ها و جامعه مدنی در ساماندهی سیاست ها و همسوئی در اجرای سیاست ها و یکپارچگی نظم بین المللی خواهد شد.حکمرانی خوب می تواند پیش زمینه‌ای برای پیشرفت در ابعاد دولت، جامعه مدنی و نظام بین الملل شود. در واقع این کتاب بدنبال قواعدی است که بدون آنها، سازمانها، دولتها، یا همان بازیگران نمی‌توانند آنطورکه باید و شاید، حکمرانی خوب را رقم بزنند..نویسنده کتاب معتقد است اگر قواعد بازی یعنی نهادها، طوری طراحی شوند که ارتباط بهینه میان این بازیگران را ممکن سازند و عملا حکمرانی خوب ممکن نمی شود. در واقع نویسنده با تاکید بر نظام بین الملل پس از عصر جهانی شدن و اهمیت یافتن بازیگران مختلف در عرصه نظام بین الملل و هم در سیاست داخلی دولت ها بدنبال ایجاد یک الگوی ارتباط محور میان آنها باشد.

مقاله: بررسی نقش حکمرانی خوب در کارآمدی دولت ها، نویسنده گان: حبیب ابراهیم پور، فهیمه الیکی، (کنفرانس بین المللی نخبگان مدیریت، خرداد ماه ۱۳۹۵).

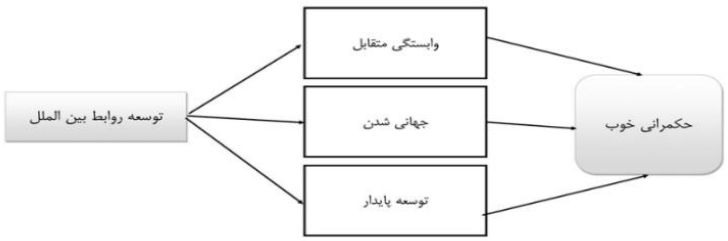
یکی از نظریات متاخر در باب توسعه، توجه به اهمیت توسعه و پذیرش نظریه حکمرانی خوب به عنوان یک مدل ایده ال برای توسعه پایدار است. با توجه به اینکه حکمرانی خوب، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی عادلانه و پایدار است و همچنین حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کار کرد قوای یک کشور در عرصه نظام بین الملل و سیاست داخلی خود است دولت ها را بر آن داشته تا برتکیه بر این مفهوم و ارائه شاخص های آن در حیطه کشور خود بتوانند جایگاه مستحکم برای خود در میان شهروندان و افکار عمومی بیابند. یکی از دلایل پرداختن به حکمرانی خوب نقش آن بر کار آمدی دولتهاست. نگارندگان مقاله به دنبال این هستند که با اتکا به ویژگیهای که حکمرانی خوب دارد روابط دولت، بخش خصوصی و نهاد های مدنی را به گونه ای تنظیم کنند تا ضمن کارآئی و اثر بخشی بالا و همکاری تعاملی و استفاده از توان و ظرفیت های موجود بخش دولتی رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی تاثیر ایده آل بگذارند. هر قدر دولت ها در چار چوب اقدامات خود چه در عرصه سیاست خارجی و چه در عرصه سیاست داخلی پاسخگوتر و کار آمد تر باشند ثبات سیاسی بیشتر، حاکمیت قانون گسترده تر و فساد محدود تر شده و حکمرانی خوب برقرار می شود.

مقاله: از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار نویسندگان: محمد رحیم عیوضی، نازنین مرزبان، معصومه صالحی، فصل نامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۵، زمستان ۱۳۹۶).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

نویسندگان مقاله فوق معتقد هستند اگر جهانی شدن و تعاریفی که از حکمرانی خوب توسط سازمانها و نهادهای بین المللی ارائه می شود و الگوهای مختلفی که از سوی این سازمان های بین المللی برای طیف وسیعی از کشورها تجویز میشوند، اغلب به دلیل عدم همخوانی با شرایط بومی، تاریخی، فرهنگی و غیره محکوم به شکست بوده و منجر به ناپایداری می شوند. براین اسای ضرورت دارد هر ملتی با توجه به شرایط خود اقدام به تدوین روش حکمرانی خوب و توسعه نماید.

۵.مدل مفهومی پژوهش



نمودار ۴،۱ مدل مفهومی پژوهش

منبع: محقق ساخته

۶.داده های پژوهش

جهانی شدن به عنوان یک پدیده گسترده و چند رشته ای ، در حال تحت تاثیر قرار گرفتن سیاست خارجی دولت هاست . این پدیده باعث شده که دولت ها برای جلب همکاری و تجارت با کشورهای دیگر ،همکاری و تعامل بیشتری با آنها داشته باشند . در نتیجه ، توسعه روابط بین الملل ، به عنوان یک راهبرد مهم برای دولت ها به منظور تحقق حکمرانی خوب ، اهمییت بسیار زیادی پیدا کرده است. از دیدگاه اقتصادی ، توسعه روابط بین الملل به صورت دوجانبه عمل می کند . این امر از یک سو باعث ایجاد فرصت های تجاری و رشد اقتصادی در کشور، دولت است ، و از سوی دیگر به دیگر کشورها نیز فرصت های تجاری و رشد اقتصادی را ارائه می دهد . در نتیجه ، توسعه روابط بین الملل باعث تحقق حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی کشورها می شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۶-۱ تاثیر جهانی شدن بر کارکرد و فرایند نظام بین الملل

باتوجه به اهمیت روندها، جریان ها و تحولات فرایندی در عصر جهانی شدن، می‌توان اذعان داشت که فرایندها در مقایسه با ساختار ها، اهمیتی فزاینده یافته است. به طور کلی، در عصر جهانی شدن، سه فرایند عمده موجب تحول در نظام بین الملل شده است: نخست فرایندهای افقی مبتنی بر وابسنگی متقابل جهان در هم تنیده کنونی. دوم فرایندهای از پایین به بالا بر نظام تصمیم گیری جهانی و سوم، تشدید الگوهای رقابت – همکاری در عرصه میان کنش بازیگران (ساسین[۱]، ۲۰۰۷).

۶-۲.تشدید الگوی رقابت – همکاری

در شرایط و دوران گذار در مناسبات جهانی، به دلیل پیچیدگی و ابهام ذاتی و تغییرات محیط جهانی و تحول ماهیت قدرت و تنوع بازیگران، الگوی رقابت – همکاری بر مناسبات بازیگران حاکم شده، به گونه ای که رقابت ها بیشتر اشکال غیر نظامی به خود گرفته، گرچه از شدت و اهمیت حیاتی رقابت های نظامی قهر آمیز کاسته نشده است. ماهیت جهانی فرایند های گوناگون به دوران انزواجویی داوطلبانه در روابط بین الملل پایان داده، و غیبت در عرصه های منطقه ای و بین المللی نه یک امتیاز، که نوعی نقطه ضعف و کاستی محسوب می شود. در این اوضاع و احوال، رویکرد چند جانبه گرایی و "همکاری – رقابت"، جای تقابل با همکاری بی قید و شرط را گرفته، و بازی با حاصل جمع صفر، جایگاه خود را در مناسبات نوین جهانی از دست داده است (ظریف در: کروواویزمن، ۱۳۹۲). براساس نظریه انتقال قدرت، با توجه به وابستگی و پیوستگی جهان سیاست به یکدیگر از نظر عمودی و افقی، درجات متفاوت و متغیر همکاری و رقابت بر روابط میان ملت ها حاکم است. در این رهگذر، پویایی از آن عواملی است که موجب تغییر در نظام بین الملل می شوند، که از آن جمله می توان به نرخ متفاوت رشد کشورها و تغییر قدرت نسبی ملت ها اشاره کرد که منجر به روابط جدید بین ملت ها و شکل گیری هویت های جدید می گردد. تعامل بین عناصر ساختاری و پویای قدرت، فعالیت های شبکه ای شرکت های فراملی در فرایند نظام تولید بین المللی و امکان پذیری انطباق بازیگران، اعم از دولت ها – ملت ها، سازمان های بین المللی و نهادهای جامعه مدنی بین المللی با محیط پیرامونی در دوران انتقال و گذار، می تواند بر نوع روابط همکاری جویانه یا رقابت آمیز کنش گران بین الملل تاثیر گذارد (اسکات[۲]، ۱۹۶۷: ۲۷).

۱Sassen

۲Scott

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

در واقع در دوران گذار در نظام بین الملل، نگاه فراگیر و جامع و دقیق، جای خود را به فرایندی مقطعی و موردی می دهد. آن چه در این میان حائز اهمیت است، توانایی انطباق و انعطاف بازیگران، متناسب با شرایط متغیر و متحول بیرونی است (سرنی[۱]b ، ۲۰۰۶: ۶۷-۸۷).

۶-۳.حکم رانی جهانی: مولفه ها و ابزارها

مولفه های حکمرانی جهانی شامل سه مولفه ی اصلی قدرت یعنی قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و امنیتی و قدرت ایدئولوژیک می شود. اعمال حاکمیت در سطح جهان نیازمند ابزارهای کارآمد است. در این رابطه سه دسته ابزار کلی اعمال حاکمیت وجود دارد که عبارتند از: سازمان ها و نهادهای بین المللی، رسانه های ارتباط جمعی، متغیرهای ژئوپلتیک.

بنابراین فرآیند حکمرانی جهانی در عصر حاضر مبتنی بر الگوی دموکراسی، تعمیم یافته است. همانطور که دموکراسی می تواند از طریق نهادهای اقتصادی و اجتماعی به انحراف کشیده شود حکمرانی جهانی نیز تحت تاثیر شرایط اقتصادی و سیاسی کشورها خواهد بود. این نکته ثابت شده است که قدرت سیاسی و اقتصادی به یکدیگر پیوند خورده اند. اما باید در نظر داشت که حکومت ها دارای توانمندی یکسانی نیستند. مشارکت موفقیت آمیز در روند جهانی شدن، موکل به امتیازات نهادینه شده و ظرفیت های سیاسی کشورهاست که توزیعشان دیرزمانیست به شدت نابرابر بوده است. خطرات جهانی شدن و آسیب پذیری نسبت به تکانه های بیرونی در کشورهای ضعیف محسوس‌تر است. بر عکس قدرت ساختاری یعنی توانایی اشکال مناسب کنشی، برخورداری از زیر بناها و پیوندهای لازم برای تاثیر بر روند جهانی شدن در کشورهای نیرومند اقتصادی متمرکز شده است (همان). نتیجه این شرایط انحراف فرآیند حکمرانی جهانی به سمت اهداف و تمایلات کشورهای قدرتمند خواهد بود (برژینسکی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

۶-۴.ویژگی هاو برخورداری کشورها، برای نقش آفرینی در حکم رانی جهانی .

کشورهایی که خواهان مشارکت موثر در فرایند حکمرانی جهان هستند باید حائز ویژگی هایی باشند که چنین امکانی را در اختیار آنان قرارداد. این ویژگی ها از نظر مایکل مان تحت عنوان منابع قدرت اجتماعی شناخته می شوند. کشورهایی می توانند در مشارکت جهان نقش آفرین باشند که دارای این توانمندی ها هستند. نقش آفرینی موثر نیازمند به کار گیری ابزار مناسب است. در بخش بعد، ابزار اعمال مدیریت که کشورهای مختلف از آن بهره می برند، ارائه می شود.

- **قدرت اقتصادی**

---

[۱] Cerny

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

برخورداری از اقتصادی قدرتمند اولین مولفه کشورهایی است که در عرصه ی جهانی به اعمال نظر و قدرت می پردازد. قدرت اقتصادی شامل دو بخش است: اولا این قدرت باید در حوزه ی نظام سازی و مدیریت جامعه نمایان شود. ثانیآ اقتصاد قدرتمند باید در حوزه ی نظری نگرشی جهانی و برتر نسبت به سایر مکاتب اقتصادی داشته باشد. تاریخ اندیشه های اقتصادی نشان از نگرش‌های مختلف به تعاملات اقتصادی انسان‌ها دارد. اندیشه‌ی مرکانتیلیسم با توجه به ذخیره و انباشت طلا در عمل، زمینه ساز استعمار کشورها و دزدی منابع اقتصادی کشورهای مختلف شد. مرکانتیلیسم در دوران رشد سرمایه داری در غرب بویژه هم زمان با کوشش های استعماری اروپاییان در مستعمراتشان پدید آمد و به آنان بسیار کمک کرد و حتی در سیاست های اقتصادی قرن بیستم تاثیر گذارد، چنان که بسیاری از سیاست های این عصر از این مکتب برآمد (حاجیان پور، ۱۳۸۸) اندیشه ی کمونیسم اشتراک منابع را ایجاب می کند و در عمل برای مدیریت این منابع مشترک یک قدرت متمرکز مورد نیاز خواهد بود. این نگاه در تعاملات اقتصادی جهانی به حضور یک قدرت اقتصادی بلامنازع که بقیه کشورها را به اطاعت خود وادار کند، نیاز دارد. اندیشه‌ی سرمایه داری با هدف کسب سود از هر طریقی رقابت اقتصادی جهانی را ایجاب میکند. سرمایه داری رسماً فراملیتی است (مگداف، ۱۳۸۳: ۱۶) هدف از آن کسب سود از هر نوع بازاری صرف نظر از موانع ملی، منطقه ای، مذهبی و سایر محدودیت ها در همه جا است (رمان، ۱۳۸۳: ۹۰) این نگاه، رقابت بی رحمانه و حتی ناعادلانه اقتصادی در سطح جهان را ایجاب می کند. اندیشه ی اقتصادی اسلام مبتنی بر عدالت و کرامت انسانی است. این اندیشه نیز نگاهی جهانی دارد و طبیعتآ نظام اقتصادی مبتنی بر آن با نظام فعلی جهانی متفاوت است.

- **قدرت سیاسی و نظامی**

قدرت نظامی به معنای برخورداری از توان اعمال زور و قدرت بر سایر کشورها با هدف تامین منابع خود است. قدرت سیاسی در مقابل به معنای تامین منافع خود از روشی غیر از اعمال زور و قدرت است. به عبارت دیگر کشورهای مختلف برای تامین خود در سطح جهان از نهادهای رسمی بین المللی و نیز نهادهای غیر رسمی و بعضآ مخفیانه استفاده می کنند. اگر استفاده از این نهادها منجر به تامین منافع کشورها نشد از گزینه ی اعمال زور و مداخلات نظامی در سطوح مختلف بهره می برند. قدرت نظامی یک کشور صرفآ به معنای برخورداری از تسلیحات جنگی ارتش های مجهز نیست بلکه به معنای توان بهره گیری از ابزارهای قهر آمیز همراه با خشونت است. تغییر تاکتیک-های جنگی و نیز وارد شدن مولفه غیر نظامیان به درگیری های نظامی تعریف جدیدی از قدرت نظامی نشان می دهد (همان: ۹۸). برخورداری از قدرت سیاسی و نظامی به معنای حضور سیاسی و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

استفاده از ابزارهای قهر آمیز و جنگی در مسائل جهانی در دهه ی اخیر مهم ترین مولفه ی کشورهایی است که خواهان مدیریت جهانی هستند.

- **قدرت ایدئولوژیک**

قدرت ایدئولوژیک مبتنی بر این واقعیت است که ایده هایی با سرشتی خاص که توسط اشخاص صاحب اقتداری خاص صورت بندی شده اند، می توانند بر رفتار و باورهای افراد تاثیر بگذارند بنابراین قدرت ایدئولوژیک اساساً قدرت یا اقتدار تفسیر است، یعنی تفسیر بنیان ها و ویژگی های یک ایدئولوژی خاص. ایدئولوژیک صرف نظر از این که در زمینه‌ی یک ایدئولوژی کلی، یک ایدئولوژی خاص یا حتی در جامعه ای باشد که ظاهراً هیچ ایدئولوژی خاصی در آن تفوق یا سلطه ندارد، قدرت تعیین حق و باطل،" خوی" و "بیگانه "، مقبول و نامقبول بدون اعمال اجباری فیزیکی است. پس هم در جوامعی که ایدئولوژی خاصی حاکم است و هم در جوامع فرضی غیر ایدئولوژیک و حتی در درون گروه های ایدئولوژیک در سطح پایین اجتماعی، قدرت ایدئولوژیک در اختیار اشخاص حقیقی یا نهادهایی است که می توانند هنجارها، باورها و ارزش های اجتماعی را تفسیر، تعدیل یا تقویت کنند. این نکته بویژه در جوامعی که یک ایدئولوژی رسمی مانند مذهب دولتی وجود دارد و نیز در برخی گروه های خاص ایدئولوژیک در جوامع مختلف آشکار تر است. حتی در جوامع مدرن غربی مانند آمریکا نیز می توان نمونه هایی از آن را دید: رسانه های گروهی و صنعت سرگرمی (از جمله تصمیم گیرندگان اجرایی) که با گزینش برخی اخبار و تصاویر خاص و ارائه تصویری مثبت یا منفی از رویدادها واشخاص، قدرت ایدئولوژیک خود را اعمال می کنند، یا افراد برجسته نظیر رئیس قبلی یا فعلی دولت یا اشخاص معروف مانند ستارگان سینما یا هنرمندان بزرگ که صرفاً با بیان نظر خود می توانند آرمان خاصی را عملاً دنبال کنند (ملک احمدی، ۱۳۷۹).

۳-۶ توسعه پایدار

توسعه پایدار به عنوان یک رویکرد گسترده به توسعه ، می تواند در حکمرانی خوب یک دولت تاثیر قابل توجهی داشته باشد .توسعه پایداربه معنای توسعه ای است که نیازهای نسل حاضر را برآورده می کند،بدون آنکه امکان برآورده شدن نسل های آینده را به خطر بیندازد . حکمرانی خوب یک دولت نیز به معنای حکومتی است که به نحو اثر بخشی و عادلانه نیاز های شهروندان خود را برآورده میکند. توسعه پایدار و حکمرانی خوب دارای ارتباطات نزدیکی هستند و همکاری بین آنها می تواند به بهبود وضعیت اقتصادی ،اجتماعی و زیست محیطی یک کشور کمک کند.

۶-۳-۱ تاثیرات توسعه پایدار در حکمرانی خوب

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۱.تعادل بین اقتصاد و زیست محیطی

حکومت ها می توانند با پیروی از اصول توسعه پایدار ،اقتصاد را توسعه دهند در عین حال محیط زیست را حفظ کنند . برنامه ریزی مناسب برای بهره برداری از منابع طبیعی ، کاهش آلودگی و افزایش استفاده از منابع تجدید پذیر می تواند بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش تاثیرات منفی بر زیست محیطی را به همراه داشته باشد .

۲.عدالت اجتماعی

توسعه پایدار باید به صورت عادلانه و برابر در سطوح اجتماعی و اقتصادی توزیع شود . حکومت می توانند با اجرای سیاست های عدالت مندانه در زمینه توزیع ثروت و فرصت ها ،بینایی و عدالت اجتماعی را بهبود بخشند .

۳. مشارکت مردم

حکومت های خوب باید مردم را در فرآیند های تصمیم گیری مشارکت دهند . توسعه پایدار نیازمند همکاری و مشارکت مردم در تصمیمگیری های مربوطه به توسعه اقتصادی ، اجتماعی و زیست محیطی است . حکومت ها می توانند با ایجاد فرصت های مشارکت مردم در سطوح مختلف ، نظرات و نیازهای آنها را در نظر بگیرند و بهبودی بهتر برای جامعه را تضمین کنند .

۴. شفافیت و حساب پذیری

حکومت های خوب باید شفاف و حساب پذیر باشند. اطلاع رسانی موثق و دسترسی آزاد به اطلاعات مربوط به توسعه پایدار ، می تواند به شفافیت حکومت کمک کند و به شهروندان اعتماد بیشتری در قدرت تصمیم گیری دولت بدهد.

۵. همکاری بین المللی

توسعه پایدار نیازمند همکاری و هماهنگی بین کشورها ست . حکومت ها می توانند با شرکت در سازمان ها و توافقات بین المللی مربوط به توسعه پایدار ، بهبود وضعیت خود و جامعه جهانی را تحقق دهند .پس بنابراین توسعه پایدار می تواند بهبود وضعیت حکمرانی یک دولت را از طریق تعادل اقتصاد و زیست محیطی ،عدالت اجتماعی ،مشارکت مردم ،شفافیت و همکاری بین المللی را به همراه داشته باشد .

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۶.یافته های تحقیق

تحقیقات و یافته های تحقیق در زمینه توسعه روابط بین الملل و حکمرانی خوب نشان میدهد که ارتباطات بین المللی و نهاد های بین المللی می توانند نقش مهمی در حکمرانی خوب داشته باشند برخی از یافته های مهم عبارتند از :

۱. **تعزیز همکاری و تبادل اطلاعات** : توسعه روابط بین المللی می تواند به تقویت همکاری و تبادل اطلاعات بین کشورها کمک کنند و این همکاری می تواند منجر به بهبود تصمیم گیری و افزایش کیفیت حکمرانی در سطح بین المللی شود .

۲. **حل منازعات:**روابط بین المللی می تواند به حل منازعات بین کشورها کمک کنند . نهادهای بین المللی و مکانیسمهای دیپلماتیک می توانند در تسویه منازعات و جلوگیری از تجاوزات مرزی و سایر تنش ها نقش مهمی را ایفا کنند .

۳. **عدالت و شفافیت** :توسعه روابط بین الملل می تواند به ایجاد عدالت و شفافیت در حکمرانی خوب کمک کنند و حقوق بین الملل و نهادهای بین المللی می توانند به تامین رعایت حقوق بشر ،عدالت اجتماعی و تقسیم منابع به عادلانه ترین شکل ممکن کمک کنند .

۴. **مشارکت مردم و جوامع مدنی** : روابط و توسعه بین المللی می توانند به مشارکت مردم و جوامع مدنی در فرآیند های تصمیم گیری کمک کنند . ایجاد فضایی برای بحث و تبادل نظر در سطح بین المللی می تواند به تقویت نظام های دموکراتیک و تامین حاکمیت مشارکتی در سطح جهانی کمک کند در نتیجه این یافته ها تایید میکند که توسعه روابط بین الملل می تواند به حکمرانی خوب در سطح بین المللی کمک کند .

۶-۱ توسعه پایدار دولت خوب و حکومت خوب

توسعه پایدار و دولت خوب و حکومت خوب به طور کلی به هم مرتبط هستند و تاثیرات مثبتی بر یکدیگر دارند . توسعه پایدار به معنای رشد اقتصادی ،توسعه اجتماعی و حفظ منابع طبیعی است که به نسل های آینده امکان استفاده از منابع و منافع فراهم می کند . دولت خوب و حکومت خوب نیز به معنای دولتی است که بر اساس اصول عدالت ، شفافیت ،حسابرسی،و مشارکت مردمی عمل می کند .توسعه پایدار باعث تقویت نظام قانون در یک کشور می شود . اجرای قوانین و مقررات صحیح کارآمد در راستای توسعه پایدار ، نشان از حکومت و حکمرانی خوب می دهد . همچنین توسعه پایدار نیازمند شفافیت در عملکرد دولت و سازمان های عمومی است . افزایش شفافیت باعث

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

ایجاد اعتماد عمومی به دولت و حکومت می شود .توسعه پایدار نیازمند مشارکت فعال مردم در تصمیم گیری های مربوط به توسعه است . این امر باعث تقویت حکومت خوب و دولت خوب می شود ، زیرا مردم در فرآیند تصمیم گیری شرکت کرده و احساس مالکیت ومسئولیت در قبال توسعه را دارند .حفظ منابع طبیعی و محیط زیست نیز جزءاهداف توسعه پایدار است . دولت خوب و حکومت خوب باید سیاست ها و برنامه های مناسب را برای حفظ منابع طبیعی اجرا کنند . این اقدامات باعث حفظ منابع طبیعی و محافظت از محیط زیست در بلند مدت می شود . توسعه پایدار نیازمند توزیع عادلانه منافع از رشد اقتصادی است . دولت خوب و حکومت خوب باید سیاست ها و برنامه هایی را اجرا کنند که به توزیع عادلانه منافع از توسعه کمک کنند . این اقدامات باعث افزایش عدالت اجتماعی و بهبود شرایط زندگی مردم می شود . به طور کلی ، توسعه پایدار تاثیر بسیار مثبتی بر دولت خوب و حکومت خوب دارد . این نوع توسعه باعث تقویت نظام قانون ، افزایش شفافیت ، مشارکت مردمی ، حفظ منابع طبیعی و توزیع عادلانه منافع می شود که همگام با مفهوم دولت خوب و حکومت خوب است.

۲-۶ کانال های اثر گذاری شاخص های حکمرانی خوب بردولت

۱) حق اظهار نظر و پاسخ گویی و توسعه

تعریف جدید توسعه نیافتگی و فقر به صورت محرومیت از قابلیت ها، دیدگاه وسیعتری از توسعه را ارایه می کند که در تعاریف قبلی،یعنی فقر در آمدی، مورد توجه لازم قرار نمی گرفت. دموکراسی، حقوق مدنی و آزادی های سیاسی از جمله عوامل آگاهی بخش هستند که خواسته های مردم از دولت را شکل می دهند. بر اساس تقسیم بندی موسسه خانه آزادی حق اظهارنظر شهروندان و پاسخ گویی دولت مردان، بیانگر جنبه های مختلف آزادی های مدنی و حقوق سیاسی است. مردم بدون آزادی سیاسی نمی توانند عضو گروه هاشوند، ایده ای را شکل دهند و آن را بیان کنند. اما دولتهای دموکراتیک از حقوق بشر حمایت کرده و اجازه مشارکت بیشتری در نهادها و اجرای قوانینی برای توزیع مناسب تر امکانات رفاهی از قبیل امکانات آموزشی و بهداشتی را می دهند. آزادی شهروندان برای اظهار نظر و پاسخ گویی دولت مردان به چهار روش می تواند بر توسعه اقتصادی مؤثر واقع شود (صامتی و همکاران،۱۳۹۰: ۱۹۰):

۲) بهبود عملکرد دولت

وجود آزادی های سیاسی اعم از آزادی بیان، قلم و اندیشه و وجود رسانه های متعدد، مستقل و آزاد، اعم از روزنامه، مجله، کتاب، رادیو و تلویزیون در هموارسازی مسیر توسعه نقش عمده ای دارند. در چنین شرایطی آگاهی مردم بالا می رود و عملکرد حاکمان مورد نقد واقع می شود و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

دولت ها ناچار به عملکرد کاراتر می شوند و در غیر این صورت از چرخه قدرت توسط آرای مردم حذف می شوند (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۵).

۳) ایجاد ثبات سیاسی

در شرایطی که افراد جامعه از آزادی های سیاسی برخوردار باشند، همه مردم احساس امنیت و آزادی می کنند و خدمات رسانه ها در سایه رقابت، از نظر کمیت و کیفیت ارتقاء مییابد و کلیه اقشار جامعه را پوشش می دهد. بنابراین رسانه ها به دلیل مستقل و آزاد بودنشان می توانند حقایق را در جامعه مطرح کنند و نیازی به رسانه های خارجی برای کشف حقایق جامعه احساس نمی شود و زمینه بی ثبات کردن جامعه توسط رسانه های خارجی از بین می رود (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۵).

۴) انباشت سرمایه فیزیکی

انجام اعتراضات گسترده و قوی از سوی اتحادیه ها و تشکل های کارگری، می تواند بر نحوه توزیع درآمد میان نیروی کار و سرمایه تأثیر بگذارد. رو در یک چنین استدلال می کند که با فرض ثبات سایر شرایط، اعتراضات گسترده اتحادیه ها و تشکل های کارگری، سطح دستمزدها را بالا برده و از این طریق نرخ بازگشت سرمایه را کاهش می دهد که این خود کاهش انگیزه سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران بخش خصوصی را در پی دارد. اما بر خلاف این ادعا کلاگو معتقد است که نه تنها این اثر بسیار ناچیز است، بلکه علاوه بر آن آزادی شهروندان برای اظهارنظر و پاسخگویی دولت مردان، امنیت حقوق مالکیت و ضمانت اجرای قراردادها را افزایش داده و بنابر این با کاهش ریسک و نا اطمینانی، نرخ بازگشت سرمایه افزایش مییابد (کلاگو و دیگران، ۱۹۹۶، ص ۲۶۴).

۵) انباشت سرمایه انسانی

انجر من معتقد است در جوامعی که شهروندان از آزادی های مدنی بیشتری برخوردارند، حکومت ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخگو تر هستند، چرا که آنها سیاست هایی را انتخاب خواهند کرد که انباشت سرمایه انسانی را افزایش می دهد. ارتقاء سرمایهانسانی از یک سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و از سوی دیگر تقاضا برای دموکراسی را افزایش می دهد، که این خود موجب پاسخ گو تر شدن حکومت ها می شود (صامتی و همکاران،۱۳۹۰: ۱۹۲)

۶) ثبات سیاسی و توسعه

شاخص ثبات سیاسی نشان دهنده عدم وجود خشونت در جامعه می باشد. چندین معیار در محاسبه این شاخص به کار می رود که به ارزیابی بی ثباتی دولت و یا احتمال براندازی آن از طریق ابزار های خشن و غیرمدنی می پردازد و اعمال دیگری مانند شورش های داخلی، تروریسم، کودتا و ترور را نیز در بر می گیرد. ثبات سیاسی از دو طریق بر توسعه اقتصادی اثرگذار می باشد:

۱) افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

تشویق مباحثات آزاد در مورد انتخاب سیاستمداران و سیاست ها، امکان براندازی قدرتحاکم را با ابزارهای نامشروعی چون کودتا و شورش از بین می برد. بنابراین در چنین جوامعی تغییرات سیاسی پیش بینی پذیر تر از نظام های خودکامه است. این امر با کاهش هزینه ریسک سرمایه گذاری، موجب افزایش سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی می شود. هیچ جامعه ای نمی تواند بدونیک نظم مسالمت آمیز و آرام به طور رضایت بخش و مطلوبی کار کند. درگیری های جناحی، ترورهای سیاسی، کودتا و پدیده هایی مانند آن، با از بین بردن امنیت حقوق مالکیت موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادییک کشور گردیده و به تبع آن کاهش سرمایه گذاری داخلیو خارجی و توسعه اقتصادی را به دنبال دارد (بارو، ۱۹۹۱، ص ۴۲۴).

۲) جلوگیری از فرار مغزها

همان طور که بیان شد ایجاد ثبات و امنیت در جامعه موجب افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی در کشور می شود. سرمایه گذاری خارجی ضمن انتقال تکنولوژی، مدیریت و کادر متخصص مورد نیاز به کشور، منافع کشور را به منافع کشورهای سرمایه گذار گره می زند. لذا سرمایه گذاری های مذکور خود ثبات و امنیت را بیشتر کرده و به سرمایه گذاری فزاینده منجر می شود. در چنین شرایطی فرار سرمایه ها و مغزها متوقف می شود و در خدمت رشد و بالندگی کشور به کار گرفته خواهد شد (سعیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

۷.نتیجه گیری

جهانی شدن امری است که در دهه های اخیر با شتاب بالایی در حال رشد بوده است و این پدیده تاثیر مستقیم و غیر مستقیمی بر سیاست خارجی دولت ها داشته است . جهانی شدن باعث شده است که گسترش تجارت جهانی ، تکنولوژی و رسانه های اجتماعی مرزهای جغرافیایی را نادیده بگیرند و در نتیجه دولت ها مجبور شده اند سیاست های خود را به چالش بکشند و با توجه به شرایط جدید و تحولات جهانی ، اقدامات موثری را انجام دهند . به علاوه ،جهانی شدن باعث شده است که ارتباطات بین المللی و تعاملات بین کشورها افزایش یابد و این موضوع نیز تاثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی دولت ها داشته باشد . اگر جهانی شدن سیاست را رهایی امر اجتماعی از سیطره دولت، کم رنگ شدن مرزهای ملی و فروریختن باورها و تصورات سنتی و کلاسیک از مفاهیم سیاست نظیر حاکمیت، منافع ملی و تحول قدرت ازشکل سخت افزاری به نرم افزاری بدانیم، ملاحظه می کنیم که بر اثر این فرآیند حاکمیت ملی دولت‌ها دچار محدودیت هایی شده و بر اثر گسترش فرآیند جهانی شدن، دولت های ملی ابعاد مهمی از توانایی، خودمختاری و حاکمیت خود را از دست می‌دهند و به نحو فزاینده‌ای با بازارهای جهانی، سازمان های تجاری منطقه ای،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

نهادهای سیاسی بین المللی و جنبش‌های فکری روبرو می شوند و این موضوعات را می‌توان درسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد. سیاست خارجی که در جهت کاهش تنش ها سیر می کند و عناصر بازدارنده در روند بهبودی مناسبات، روز به روز بهموضع دفاعی سوق داده می شوند و تعقیب سیاست تنش زدایی و تعامل سازنده با جهان، نشانه هایی از تأثیرگذاری فرایند جهانی شدن در بعد سیاسی آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود و تنش زدایی به منزله واکنشی مناسب به پدیده جهانی شدن، منادی دعوت جهان به صلح مبتنی بر عدالت و مساوات است که بر نهادینه شدن مقررات حقوق بین الملل و کاهش تنش در دو سطح منطقه‌ای و جهانی و تعامل سازنده کشورها با یکدیگر برای پیشبرد اهدافشان در عرصه بین المللی است (مرادنژاد و همکاران،۱۳۹۵).

به طور کلی، توسعه پایدار به معنای توسعه ای است که به طور همزمان در بعدهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی پایدار است و باعث حفظ منابع طبیعی و افزایش کیفیت زندگی جامعه خواهد شد. توسعه پایدار، نیازمند مدیریت منابع طبیعی بهینه است. باید به مدیریت منابع طبیعی بهینه توجه کنند. این امر باعث حفظ منابع طبیعی، کاهش آلودگی محیطزیست و بهبود حکمرانی خوب می‌شود. به عنوان مثال، این حکومت‌ها باید در زمینه احترام به حقوق کارگران، حقوق زنان و حقوق کودکان تلاش کنند. این امر باعث بهبود حکمرانی خوب و رفاه جامعه می‌شود. و این امر باعث افزایش پایداری اقتصادی و اجتماعی و بهبود حکمرانی خوب می‌شود.بنابراین، توسعه پایدار می‌تواند به عنوان یک رویکرد کامل به توسعه، برای حکمرانی خوب دولت‌ها اثرگذار باشد. این رویکرد باعث افزایش شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت شهروندی، ایجاد اشتغال، مدیریت منابع طبیعی، حفاظت از حقوق انسانی و توسعه مستدام می‌شود که همگی به بهبود حکمرانی خوب کمک می‌کنند.

مواردی که برای یک حکمرانی خوب می‌توان در نظر داشت که با اتکا بر این عوامل به سمت توسعه حرکت کرد و کوتاهی در هریک از این موارد باعث بی‌اعتمادی و فروریختن مشروعیت در نظر مردم می‌شود به شرح ذیل است:

- پاسخ‌گویی همه نهادها
- رسیدن به شفافیت
- جامعه مدنی فعال
- مبارزه با فساد و سلامت اداری
- مشارکت فعال شهروندان
- اجماع محوری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

- مسئولیت‌پذیری مسئولان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

منابع

۱. امامی قشلاق، محسن، بی زوال، حسین.(۱۴۰۰). بررسی و تحلیل ابعاد حقوقی و مالی نقش توسعه اقتصادی و پیامدهای آن بر حکمرانی خوب. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی،۱۰(۳۵). ۲۷۱-۲۴۹.

۲. باقرزاده، محمدسعید؛ طبری، مجتبی؛ مجیبی، تورج؛ باقرزاده محمدرضا (۱۳۹۹) طراحی و تبیین مدل حکمرانی خوب برای ادرات کل کتابخانه‌های عمومی کشور، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)،۱۱(۱): ۳۱۰-۲۸۹.

۳. باقرزاده، محمدسعید؛ طبری، مجتبی؛ مجیبی، تورج؛ باقرزاده محمدرضا (۱۳۹۹) طراحی و تبیین مدل حکمرانی خوب برای ادرات کل کتابخانه‌های عمومی کشور، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)،۱۱(۱): ۳۱۰-۲۸۹.

۴. برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۸) مدیریت و حکمرانی شهری. تهران: دانشگاه هنر. معاونت پژوهشی.

۵. جلیل خانی، نازک و رحیمی، محمد (۱۳۸۹)، حکمرانی خوب شهری، نشریه مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران (میدان شهر)، (۱۱).

۶. حاجیان پور، احمد (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۶(۲۲).

۷. حسین زاده، مهدی (۱۳۸۴). حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر. نشریه حقوق اساسی؛ ۳(۱).

۸. دال، رابرت، (۱۳۷۹). درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، تهران: انتشارات شیرازه.

۹. سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون؛ محسنی، فضیلت (۱۳۹۰) تحلیل تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASENA)، فصلنامه علمی پژوهشیپژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱(۴): ۲۲۳-۱۸۳.

۱۰.طاهری، عباس (۱۳۷۹) از دولت خوب تا حکومت داری خوب، نشریه فرآیند مدیریت و توسعه، (۴۸ و ۴۹): ۲۶-۹.

۱۱.عیوضی، اصغر، (۱۳۸۲). چالش پارلمانهای محلی ایران در فرآیند گذار، مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش شوراهای اسلامی، تهران: پژواک جامعه: ۲۱۰- ۱۹۳.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۱۲.قلی‌پور، رحمت الله (۱۳۸۷) حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، دفتر گسترش تولید علم.

۱۳.مقدری، رحمت الله (۱۳۸۳) تحلیل و امکان سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نق دولت. دان مدیریت (۶۲).

۱۴.ملک احمدی، سیده عاطفه؛ الوانی، سید مهدی و معمارزاده طهران، غلامرضا، (۱۳۹۵). اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب در سازمان های کارا (مطالعه موردی: شعب بانک رفاه استان قزوین)، ۷(۱)(۲۱): ۱- ۹.

۱۵.نصیر خانی، پرویز.(۱۳۹۳). تأثیر حکمرانی‌خوب به عنوان شاخص‌اخلاقی بر رشد اقتصادی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی،۳(۷). ۱۰۴-۸۵.

۱۶.وثوقی. فتاح، قلی پور رحمت الله، (۱۳۸۲) حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، ۱(۴): ۹۳-۱۰۹.

۱۷.هیوم، دیوید و ترنرمارک، ترجمه عباس منوریان (۱۳۷۹) حکومت داری و مدیریت توسعه، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی

۱۸.یزدان فام، اسماعیل (۱۳۹۶) حکمرانی خوب و ارتقای سلامت نظام اداری: تبیین نقش دولت الکترونیک، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۰(۳۷): ۲۲۲-۲۰۳.

19. Barro, Robert (1991), Economic Growth in a Cross Section of Countries, Quarterly Journal of Economics, 106(2), pp. 407-433.
20. Bartolini, David & Ssantolini, Raffella. (2017). Political institutions behind good governance. Elsevier_ economic systems 41 (2017) 68-85.
21. Clague, C., Keefer, P., Knack, S. and Olson, M. (1996), Property and Contract Right in Autocracies and Democracies, Journal of Economic Growth, 1(2), pp. 243-267.
22. Department, Working Paper, 553, 1-37.
23. Graham, John Amos (2011), Bruce and Time Plumptre Principles for Good Governance in the 21st Century, Policy Brief No.15 August 2003.
24. Guichard, S., Kennedy, M., Wurzel, E. & Andre, C. (2007). "What Promotes Fiscal Consolidation: OECD Country Experiences". OECD Economics
25. Haggard, S., MacIntyre, A. and Tiede, L. (2007), "The Rule of Law and Economic Development" by University of California – San Diego.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

26. Hammache, Ahmad. (2017). Relationbetween good governance and economic growth, University of Paris.
27. Harris,J.David(2□08),"A Discourse Analysis of Institutionalized in The Field of New Zealand Rugby 1885 and 2005",at Massey University, Palmerstone North and New Zealand,Book, online in English.
28. World Development, 38(12), 1-16.
29. Kaufman, D., Kraay.A. (2007).Governance Indicators: Where Are We, Where should we be going? Global Governance Group. Policy Research Working Papers.No, 4370, Washington DC: World Bank.
30. Kooiman, J. (2003).Governing as Governance. SAGE Publication. London. Thousand Oaks.Calif.and New Delhi.
31. Larch, M. & Turrini, A. (2008), "Received Wisdom and Beyond: Lessons from Fiscal Consolidation in the EU". Brussels: European Commission, Directorate
32. Rafigh Alrahman, Aboo Tayeb (1384), Improving Government Performance through Administrative System Reforms, Safar, Mohammad, Management and Planning Organization Publishing, First Edition.
33. Rahimi, Roohollah & shakeri, hamid (2016). Reflection on corruption of judicial system and offer solutions for its health promotion.journal International political and law. Vol.2.No.27.
34. Sadera, Jefferson M.; Frivaldo Florenda S&Bueno, David Cababaro. (2019). Harmonizing Good Governance across Barangays in a Metropolitan Setting. Institutional Multidisciplinary Research and Development (IMRaD), July, ISSN 2619-7820, DOI: 10.13140/RG.2.2.10006.70723.
35. Saeidi, Khalil (1386), Developement Theories, Cooperative Company of Culture and Arts Entrepreneurs Publishing, First Edition.
36. Smith, B. C. (2015). Good governance and development. Houndsmills/New York: Palgrave MacMillan.
37. Stratford, Elaine (2007). Sustainable development and good governance: Pathways to good Practice in regional governance. No.3.
38. Un Escap (2002) "What is Good Governance?" At: http:/www. Unescape. Org/ huset/22/Governance.htm.
39. UNDP (2000).Characteristics of Good governance.The Urban Governance initiative TUGi. UN-HABITAT (2002).The global campaign on Urban Governance. www.un habitat.org

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]